

مجمع تشخیص مصلحت چوب «قانون» استبداد

ضمیمه

ماهیت
مردم

اگر کان مركزی هزب توده ايران

ضمیمه ۶۳۲، دوره هشتم

سال هجری، ۱۴۰۰، ۳ اردیبهشت ۱۴۰۰

نیروهای اجتماعی و روند اصلاحات

آمریکا، گفته است که دولتی ها نباید مذاکره کنند ولی مذاکرات غایبندگان مجلس و نهادهای غیر دولتی کشور بلاشکال است. تعداد غایبندگان در این دیدار نزدیک به ۴۵ نفر گزارش شده است. در تحولی دیگر فاطمه حقیقت جو در مقاشه ای که روزنامه نوروز آن را به چاپ رساند با اشاره به چالش های موجود بین مجلس و شورای نگهبان از بدو تشکیل مجلس ششم بدین سو، به نقش مجمع تشخیص مصلحت نظام برداخته و مصوبات آن را همسو با نظرات شورای نگهبان ارزیابی کرده است. حقیقت جو همکام با دیگر اصلاح طلبان حکومتی در اعتراض به ترکیب کنونی مجمع، به تجدید تدریجی اختیارات مجلس اشاره می کند و می نویسد: «با این براین در چنین شرایطی اتخاذ راهبردی اساسی در مقابله با هر گونه اقدامی که به تجدید اختیارات مجلس منجر شود باید به عنوان اولویت اصلی غایبندگان در سال جدید لحاظ شود.» (اطلاعات بین المللی، ۲۷ فروردین) حقیقت جو ضمن ارایه طریق هایی در پایان آورده: «کم تحرکی نسبت به آنچه در مجلس می گذرد، مخالفان اصلاحات را به تهاجم بیشتر و امامی دارد و در ماه های آتی شاهد اعمال شیوه هایی دیگر در رویارویی با مجلس اصلاحات تا تنزل آن به نمادی بی اثر و خشنی خواهیم بود.» در خبر جالب دیگری، روزنامه آفتاب پیزد، ۲۹ فروردین، در مصاحبه ای با وزیر مسکن از مصوباتی که در مجمع تشخیص مصلحت در ارتباط با وزارت مسکن و شهرسازی تصویب گردیده، عبد العالی زاده می گوید: «[مصوبات] بسیار خوبی از لحاظ آینده شهرسازی صورت گرفت و سیاست های دراز مدت دولت با شهرسازی مشخص شد. اعضای مجمع تشخیص مصلحت به منظور بررسی پیشنهادات وزارت مسکن و شهرسازی علاوه بر جلسات متعدد در کمیسیون های زیربنایی، هر بار یک جلسه از وقت خود را به تصویب بندهای پیشنهادی اخلاصان داده بودند.» در حالی که هنوز اصلاح طلبان حکومتی کفتارها و نوشوارهای خوبی را تاکتون مصروف ترکیب فعلی مجمع مذکور کرده اند، سوالی که تاکتون طرح نشده این است که اصولاً نقش مجمع تشخیص مصلحت نظام در همین قانون اساسی فعلی چیست؟ میزان اختیارات رفسنجانی به عنوان رئیس مجمع با تمسک به قوانین فعلی تا چه حد می باشد؟ آیا رفسنجانی این اختیارات را در تعیین سیاست خارجی کشور به غایبندگان دارد که در تعیین کمیسیون های خوبی از این قوانین و غیر غایبندگان تعیین تکلیف کند؟ و یا بر اساس کدامین قوانین به ناگهان اختیارات یک نهاد ضدمردمی آنچنان گسترش می یابد که حتی در امور مسکن و شهرسازی هم مصوبات «کارشناسی» صادر می کند. جنیش مردمی برخلاف نظریاتی که مغفل اصلی را در ترکیب فعلی مجمع جستجو می کند، باید هوشیارانه با تهاجم آرام ذوب شدگان برای جا انداختن یک نهاد ضدمردمی به عنوان یک ارگان قدرتمند شدیداً مقابله کنند. در حالی که نگرانی های عمدۀ در سایق معطوف به نظرارت است تصویبی شورای نگهبان بود، ذوب شدگان در ولایت با دور زدن تمامی این مباحثت، تشكیلاتی را سروسامان داده اند که نقش باز هم بیشتر مخربی در مقابله با جنبش مردمی ایفا خواهد کرد.

چنین ارزیابی را در برخوردها و ارزیابی های زحمتکشان ستمدیده تا داشتگویان و زنان و جوانان به روشنی می توان دید. در بیانیه بی که روز سه شنبه ۳ اردیبهشت ماه از سوی «دفتر تحریم وحدت (منتخبان نشست تهران)» انتشار یافت در بررسی وضعیت فعلی جامعه ما حاوی نکات جالبی در راستای تأیید نظریه بالاست. در این اعلامیه از جمله آمده است: «به بن پست رسیدن اکثر برنامه های اصلاح طلبان در مجلس و سایر بخش ها، باعث شد اصلاحات از یک برنامه کلان ملی به اقدامات و خواسته های جزیی تقلیل یابد و اصلاح طلبان به جای اتکا به اجزای نسبی خود، یعنی پشتونه مردمی و جنبش اجتماعی به نیروهای خاص محدود شوند...» در این بیانیه همچنین ذکر شده است که: «در این مقطع تخلیل های خوبشینانه اصلاحات را به عنوان یک حرکت خود به خودی که در هر شرایطی پیروز خواهد شد، معرفی کردند، فارغ از آنکه تغیرات سیاسی اجتماعی و مقابله با تهاجم ججه محافظه کاران تنها با اتکا به نیروهای اجتماعی و حضور آنان در عرصه سیاسی میسر خواهد شد.» و تبیجه اینکه «تنها با اصلاح از پایین می توان همه بخش های جامعه و حکومت را دموکratیزه کرد و بخش های انتسابی حکومت را بر پذیرش اصلاحات قانع کرد.»

در همین روزها همچنین «الجنمن های اسلامی داشتگویان» با انتشار بیانیه بی ضمن انتقاد شدید از اصلاح طلبان حکومتی خواستار توجه تمامی نهادهای حقوق بشر جهانی به وضعیت داشتگویان زندانی به خصوص حمید جعفری و محمود مژده دیگر خلق شد، و پس از آن حماسه های گوناگون روزنامه از شد، امروز به درستی به این تبیجه دیده اند که هنوز به قول خودشان بر سر آنها بی که هنوز به قول خودشان بر سر شعارهایشان ایستاده اند، بی برنامه و بی نفس تنها نظره گر خواهند شد و چشم انتظار «معجزه» در باتلاق «آرمش فعل» ذره ذره تخلیل می روند.

ادامه در صفحه ۲

با هم به سوی تشكیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه نیروهای اجتماعی و روند اصلاحات ...

شده اند. در این بیانیه در مورد این دو دانشجو آمده است: «حمدید جعفری و محمود مژدهی از دانشجویان دانشگاه رجایی تهران و اعضای سابق شورای مرکزی اخجمن اسلامی آن دانشگاه به جرم توھین به مقدسات توسط دادگاه مطبوعات بازداشت شدند و در سلول های انفرادی تحت بازجویی های انفرادی قرار گرفتند.» بیانیه با اشاره به تعیین و ثبته ۹۵ میلیون تومانی، «۸۰ روز زندان انفرادی و حکم ۵ سال زندان برای آنان اورد است: «هم اکنون یک سال است که آنان در زندان نفیش عقاید به سر می بزنند و در این یکسال حتی چند ساعت هوای خارج از زندان را تنفس ننموده اند.» بیانیه خطاب به شاهروندی رئیس ارکان سرکوب قوه قضاییه بربی حقوق انسان ها در زندان ها اعتراض می کنند.

بیانیه همچنین خطاب به محمد خاقی می نویسد: «در همان زمان که شما بر کوس کتفکوی تقدن ها و ادیان می نواختید وزارت خانه های زیر نظر شما حتی از گرفت و کیل برای حمید جعفری و محمود مژدهی، دانشجویانی که به دعوت شما سوالات دینی جدیدی را مطرح کرده بودند و اکنون به همین جرم در بدترین شرایط به سر می بزنند خودداری نمودند.»

اگر چه مرتعهان حاکم با آزادی شماری از زندانیان ملی مذهبی تلاش می کنند که جلوی روند اوج گیرنده خشم عمومی نسبت به بیدادگری دستگاه های قضایی را متوقف کنند اما جنبش مردمی باید با هوشیاری اجازه ندهد که مسأله زندانیان سیاسی به فراموشی سپرده شود. اذیت و آزار روحی و جسمی شمار زیاد زندانیان سیاسی همچنان با شقاوت ادامه دارد. موضوع آزادی زندانیان سیاسی موضوعی است ملی که نیازمند سازمان دهی و تشکیلات منسجمی باید باشد که بدنه آن را طبعاً باید خانواده این زندانیان تشکیل دهدن. غونه موقق زندانیان ملی- مذهبی نشان داد برای مورد توجه قرار دادن افکار عمومی و بین المللی بیانیه های صرف به تهایی کافی نیست. کارزار دفاع از زندانیان سیاسی برای رهایی آنها از درون ایران و توسط خود خانواده ها باید به عنوان یک ضرورت مورد توجه فعالان سیاسی قرار گیرد. تنها از طریق فشار های این چنینی است که پشتیبانی های بین المللی و جهانی می توانند نتایج مثمر ثمر خویش را بدهد. رژیم و لایت فقهی در مقابل هرگونه حرکت اعتراضی که در ارتباط مستقیم با توده ها قرار دارد، عاجز و ناتوان است.

اما مسأله اساسی که توجه به آن ضروری است در این تعیین یا بنده نیروهای اجتماعی از تحولات روز و تلاش این نیروها برای یافتن راه کارهایی است که بتواند جنبش را ازین بست کنونی خود خارج کند. حزب ما از همان فردای دوم خرداد ۷۶، با بررسی وضعیت جامعه، نیروهای سیاسی حاضر و واستگی های طبقاتی آنها و با تحلیل ماهیت عمیقاً ضد مردمی و ضد دموکراتیک رژیم و لایت فقهی بر این نکته تاکید داشت که تنها با بسیج و سازمان دهی نیروهای اجتماعی است که می توان به آینده روند اصلاحات و موقفیت آن با خوش بینی نگاه کرد. امروز نیروهای اجتماعی به تحریکه عینی به درستی این ارزیابی بی برده اند و دریافته اند که موقفیت در امر تحقیق خواست ها و ارکمان های ایشان در عرصه تحقق آزادی و عدالت اجتماعی تنها با بسیاره وسیع، سازمان یافته و متعدد با مراجعت حاکم امکان پذیر است. تا زمانی که حکومتیان می توانند این چنین آشکارا و خشن حقوق بشر را زیر پا گذارند و هر صدای مخالفی را سرکوب کنند، رژیم کنونی قادر خواهد بود با اتکاء به سرنیزه و نیروی نظامی خود به حکومتش ادامه دهد. نکته دیگر اینکه وضعیت کنونی اصلاح طلبان حکومتی حاوی درس گرانبهایی است و آن این است که مرتعهان حاکم کنونی را غمی توان از طریق نصیحت و مواعظه و رایزنی به احترام گذاشتن به حقوق مردم وادار کرد. تنها راه موجود سازماندهی اینو توده های ناراضی و به مبارزه طلبیدن دستگاه حکومتی است که سد راه هرگونه تحول بنیادین، دموکراتیک و پایدار در میهن ماست. همان طوری که حزب ما در یازده سال گذشته مرتب تکرار کرده است این امر تنها با طرد رژیم «لایت فقهی» امکان پذیر است. در راه تحقق این شعار باید جبهه وسیع نیروهای ضد استبداد را ایجاد و با نیروی بسیج شده توده ای به مقابله با تاریک اندیشان حاکم رفت.

احضار بهزاد نبوی

همانطور که انتظار آن می رفت، هفته گذشته حکم احضار بهزاد نبوی به دادگاه در مورد پرونده موسوم به «پتروپارس» ابلاغ شد. همزمان با چنین اقدام قابل پیش بینی روزنامه های جناحین حکومتی در غالب مصاحبه، مقاله و اظهار نظر شخصیت های سیاسی از ابعاد مختلف به این مسأله پرداختند. ذوب شدگان در ولایت که از قبل حتی با تمسک به ولی فقیه رژیم، سعی کرده اند مقاومت های احتمالی را اختنی کنند، در ادامه هجوم تبلیغاتی خویش برای اجرای دقیق چنین برخانمی به چماق «قانون» متول شده اند. روزنامه «رسالت»، ۲۸ فروردین، در مقاله ای با اشاره به نظریات جبهه دوم خرد در تبعیت از قانون، به مواردی از جمله پرونده کریاسچی، شهرداران تهران، دانشجویان دستگیر شده در ۱۸ تیر و غیره اشاره می کند و در باب تعهدات این جمع به این مقوله، مفهوم آن را اجرای قانون برای همه به جز جبهه دوم خرداد، تلقی کرده است. مقاله در ادامه با اشاره به پاییندی نبوی و حامیانش به قانون می نویسد: «برونده پتروپارس سوین آزمون پاییندی وی به مفهوم پاییندی به قانون تقد پذیری و نظرارت ناگزیری است. دوستان وی یک رسیدگی ساده هجوم خویش به یک تخلف احتمالی را «شروع بازی» ۸۱ و فرو دادن استخوانی به پزیرگی یک هاموت فرض کرده اند. آیا با فضاسازی این چنین سرنوشت رسیدگی به برونده پتروپارس همانند دو پرونده دیگر خواهد بود. ما امیدواریم که متهمنان پرونده که عمدتاً از افراد با سابقه نظام هستند، حکم برائت بگیرند و روسفید از دادگاه بیرون آیند و اگر هم خدائی ناکرده تخلفی صورت گرفته این رسیدگی به نام پیروزی قانون و به اسم تقویت و توان نهادهای ناظارتی و صبات از بیت المال مسلمین ثبت شود.» با اینکه تمامی شواهد نشان از آن دارد که ذوب شدگان در ولایت مصمم هستند پرونده مذکور را بر ضد بهزاد نبوی تا مرحله حذف کامل او از صحنه سیاسی به انجام برسانند، روزنامه بنیان ۲ اردیبهشت، خبر از جلسه سران سه قوه داد که در آن موضوع پتروپارس و «مبازره با مفاسد اقتصادی» بررسی گردیده است. هر چند گزارش مذکور به موارد کلی اشاره کرده است اما به نظر می رسد نتایج چانه زنی ها منفی بوده است. سال گذشته موضوع لقمانیان و اقدام کروی در ترک مجلس، عقب نشینی موقتی را به همراه داشت. خبرهای انتشار یافته مبنی بر احضار تعداد بیشتری از نایاندگان حاکم از سازمان دهی و برنامه ریزی گسترشده ای دارد که هدف آن به تکین و ادانت نایاندگان از طریق حذف یا سکوت می باشد. مجلس ششم که از بدو تشکیل تاکنون در اجرای مصوبات کلیدی به نفع مردم کارنامه ای بسیار ضعیف داشته، در آغاز شروع دور جدید تهاجمات، بالاچار به یک رویارویی دیگر کشیده می شود. تحریکات قبلی نشان داده است که اصلاح طلبان حکومتی در حساس ترین مقاطعه با عقب نشینی راه را برای تهاجمات بعدی هموار کرده اند. دور جدید چانه زنی در بالا که جدیداً بر سر پرونده بهزاد نبوی آغاز گردیده است آزمونی دیگر برای کسانی است که تاکنون پاییندی به «قانون» را برتر از اتكاء به توده ها ارزیابی کرده اند.

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری نکنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Supplement to Nameh Mardom-NO 632
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

24 April 2002

شمارهٔ فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۲۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:
IRAN e.V.
نام
شماره حساب 790020580
کد بانک 10050000
بنانک Berliner Sparkasse